

A Linguistic and Critical Study of the Recordings of the Name of the Chinese City of Hangzhou in the Earliest Manuscripts of *Tārikh-e Wassāf*

Yinhuan Wang 

PhD student of Asian and African languages and literatures, School of Foreign languages, Peking University, Beijing, China. Persian language instructor, School of Asian and African Studies, Xi'an International Studies University, Beijing, China

Mohammadamir Jalali 

Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

In *Tajziyat al-Amsār wa Tajziyat al-A'sār*, also known as *Tārikh-e Wassāf*, the author Wassāf al-Hazra describes the Chinese *Dār al-Molk* during the conquests of Kublai Khan as the “greatest city of China.” The name of this city has been recorded differently in various manuscript and printed versions of *Tārikh-e Wassāf*, such as *Khutrāy*, *Khenrāy*, *Khenzāy*, *Khunzāy*, and so on. However, in the Bombay lithograph edition, this city has been mistakenly identified as *Khānbāligh* (what is now Beijing), and in subsequent texts have followed this error by recording it as *Khutrāy*. This study examines the name of this city in 11 earliest manuscripts of *Tārikh-e Wassāf*, as well as other historical texts from the Mongol period and Chinese sources. *Khunzāy*, which has been erroneously recorded as *Khutrāy* in the manuscript and print versions of *Tārikh-e Wassāf*, actually refers to an ancient port city in China. In various ancient historical texts, as well as Persian, Arabic, and European travelogues, it is recorded under different names, such as *Khānju* (*al-Taḥīm*), *Khansā* (Ibn Battuta's *Travelogue*), *Khansāy* (*Jāme' al-Tavārikh*, *Tārikh-e Banāketi*, *Nuzhat al-Qolub*, *Khatāynāma*), *Khingsāy* (*Jāme' al-Tavārikh*), *Hinksāy* (*Āthār va Ehyā*), *Kinsay* (*The Travels of Marco Polo*), *Cansay* (*The Travels of Friar Odoric*), *Campsay* (*The Travels of John of Marignolli*), and *Cassay* (*The Book of the*

* Corresponding Author: m.jalali@atu.ac.ir

How to Cite: Wang, Y., Jalali, M. (2023). A Linguistic and Critical Study of the Recordings of the Name of the Chinese City of Hangzhou in the Earliest Manuscripts of *Tārikh-e Wassāf*. *Literary Language Research Journal*, 1(3), 39-60. doi: 10.22054/JRLL.2023.70977.1031

Estate of the Great Cann, Set Forth by the Archbishop of Soltania). This city is known today as Hangzhou, Hanzhou, or Hangju, and is pronounced as Khunzāy in the earliest manuscripts of *Tārikh-e Wassāf*. This pronunciation aligns with one of the earliest pronunciations of the city's name (character 行) in the early Mandarin period, which had a pronunciation between *zamma* (o) and *fatha* (a).


Keywords: *Tārikh-e Wassāf*, Khutrāy, Khunzāy, Hangzhou, Hangju, Phonetic and Orthographic Transformations.




بررسی زبانی و انتقادی ضبط نام شهر هانگجوی چین در

کهن ترین نسخ خطی تاریخ و صاف

دانشجوی دکتری زبان‌ها و ادبیات آسیایی و آفریقایی، دانشکده مطالعات خارجی دانشگاه پکن، چین؛ مربی زبان فارسی، دانشکده مطالعات آسیایی و آفریقایی دانشگاه مطالعات بین‌المللی شی‌آن، پکن، چین

بین‌هوان وانگ 

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدامیر جلالی *

چکیده

وصاف الحضرة در کتاب تجزیه‌الأمصار و ترجمه‌الاعصار معروف به تاریخ و صاف، «دارالملک» چین در زمان فتوحات قویبیلای خان را توصیف کرده و آن را «سواد اعظم ممالک چین» خوانده است. نام این شهر در نسخ خطی و چاپی تاریخ و صاف به شکل‌های مختلف ثبت و ضبط شده: خترای، خنرای، خنزای، خُنزای و در چاپ سنگی بمبئی این شهر به خطا با خانبالیغ یا پکن یکی دانسته شده، و در متون بعدی به تبعیت از چاپ بمبئی به صورت «خترای» ضبط شده است. در پژوهش حاضر با مراجعه به ۱۱ دست‌نوشته از کهن‌ترین نسخ خطی تاریخ و صاف، و دیگر متون تاریخی عصر مغول و منابع چینی نام این شهر بررسی شده است. «خنزای» که در نسخ خطی و چاپی تاریخ و صاف به صورت «خترای» تصحیف شده، ریختی کهن از بندری بزرگ در چین است که در دیگر متون کهن تاریخی و سفرنامه‌های فارسی و عربی به صورت‌های «خانجو» (التفهیم)، «خَنَسا» (الرحلة ابن بطوطه)، «خنسای» (جامع التواریخ، تاریخ بناکتی، نزهة القلوب، خطای‌نامه)، «خینگسای» (جامع التواریخ)، «هینکسای» (آثار و احیاء)، «کینزی» (سفرهای مارکوپولو)، «کانسی» (سفرهای فرایر اودوریک)، «کامپسی» (سفرهای جان دِ ماریگنلی) و «کاسی» (کتاب اسقف اعظم سلطانیه آمده، و همان شهری است که امروزه هانجو / هانگجو / هانگزو خوانده و نوشته می‌شود. تلفظ نام این شهر به صورت

王银环，北京大学外国语学院亚非语言文学专业博士研究生，西安外国语大学

. 亚非学院波斯语专业助教

* نویسنده مسئول: m.jalali@atu.ac.ir

«خُنزای» (به ضم حرف «خ») در کهن‌ترین دست‌نوشته‌های تاریخ و صَاف، مشابه یکی از تلفظ‌های نخستین هجای نام این شهر (کاراکتر «𐎧𐎠») در دوره ماندارین متقدم است که دارای تلفظی بین ضمه و فتحه بوده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ و صَاف، خترای، خنزای، هانگجو، هانگزو، تحولات آوایی و رسم‌الخطی.

۱. مقدمه

شهر هانگجو^۱ (که در سامانه‌های ایرانی غالباً به صورت هانگژو نوشته می‌شود) پیش از دوره سلسله یوان در چین (هم‌زمان با سلسله مغول در ایران) یعنی در دوره سلسله سونگ جنوبی پایتخت این سلسله بود. این شهر بنا به گزارش‌های مورخانمانند وِصاف الحضره، «دارالملک» (۱۲۶۹: ۲۰) و بزرگ‌ترین شهر چین («سواد اعظم ممالک چین»، همان: ۲۱) شناخته می‌شد و آن‌گونه که در ادامه خواهیم دید، در تاریخ وِصاف از نام این شهر به شکل «خُترای» (در اغلب منابع چاپی) و «خنزای» (در نسخ خطی) یاد شده است. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز در جامع‌التواریخ آن را «شهری به غایت بزرگ» (وانگ، ۱۳۷۹: ۸۰) توصیف و نام آن را به شکل‌های «خنسای» و «خینگسای» ضبط کرده است.

هانگجو از گذشته تا به امروز در کنار گوانگجو و چوانجو یکی از سه شهر بزرگ بندری و تجاری چین بوده و هست و از دیرباز محل حضور ایرانیان و پیوند با فرهنگ ایرانی بوده است. این شهر همان شهری است که ابن بطوطه، سیاح بزرگ مراکشی قرن هشتم (۷۰۳ - ۷۷۹ ق) بنا به سفرنامه خود (الرحلة) (طی سفرهای ۲۷ ساله از ۱۳۲۵-۱۳۵۲م) هنگام بازگشت از چین در اواخر نیمه نخست قرن هشتم قمری نام این شهر را به صورت «خنسای» ضبط کرده است. ابن بطوطه هنگام مشایعت امیرزاده آن شهر سوار بر کشتی، از خنیاگرانی که به سه زبان چینی و عربی و فارسی آواز می‌خواندند و به خواست امیرزاده بیتی را تکرار می‌کرده‌اند، آن بیت را بی‌آنکه فارسی بداند یادداشت کرده (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۰۶/۲؛ همو، ۱۹۹۷: ۱۴۷/۴) و ما امروز می‌دانیم که این بیت سروده سعدی است. هانگجو بنا به گزارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در جامع‌التواریخ دارای جمعیت مسلمان بسیاری بوده آن‌گونه که هم‌زمان سه مسجد جامع داشته است (وانگ ای‌دان، ۱۳۷۹: ۸۰). با توجه به اهمیت حضور ایرانیان و مسلمانان در این شهر و وجود ارتباط‌های گسترده فرهنگی و تجاری، از این شهر در منابع تاریخی ایران در عصر مغول بارها یاد شده؛ اما در منابع مختلف فارسی به اشکال

1. 杭州، Hang Zhou

مختلف ضبط و تلفظ شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده است تا با نگاهی انتقادی به این پرسش پاسخ داده شود که ریخت کهن نگارشی نام این شهر و نحوه تلفظ آن در کهن‌ترین دست‌نوشته‌های تاریخ و صاف (که در کنار تاریخ جهانگشا و جامع‌التواریخ یکی از سه منبع مهم شناخت تاریخ مغول محسوب می‌شود) چگونه ثبت شده است و چه ارتباطی با ضبط منابع چینی و تحولات آوایی نام این شهر در منابع چینی ادوار مختلف دارد.

۲. پرسش‌ها و فرضیه پژوهش

۱. نام شهر هانگجو در منابع مهم و کهن تاریخی ایران، و نیز منابع چینی چگونه ضبط شده است؛ و چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

۲. با توجه به تفاوت‌های تلفظی این نام در منابع ایرانی و نیز تفاوت‌ها و تحولات آوایی این نام در منابع گوناگون چینی در سده‌های مختلف، آیا شکل‌های مختلف نام این شهر در منابع مختلف ایرانی می‌تواند نشان‌دهنده تأثیرپذیری و دریافت اطلاعات تاریخی و فرهنگی منابع تاریخی ایران از منابع مختلف فرهنگی و تاریخی در دوره‌های مختلف چین باشد؟

فرضیه این پژوهش آن است که تلفظ‌های گوناگون نام این شهر در منابع مختلف ایرانی، مرتبط با منابع تاریخی و فرهنگی چینی در دوره‌های مختلف و متأثر از تحولات آوایی نام این شهر در ادوار مختلف است.

۳. پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره منابع تاریخی دوره مغول، پرفسور وانگ ای‌دان در تعلیقات ارزشمند و دقیق خود بر تاریخ چین از جامع‌التواریخ به توضیح معنای نام «خنسای» پرداخته و آن را معادل شهر «Hangzhou»ی امروزی دانسته است (۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۶). اما مستقلاً به بحث درباره اشکال دیگر نام این شهر پرداخته است. احمد خاتمی در تعلیقات بر آخرین چاپ تاریخ و صاف (در حقیقت احیای همان چاپ سنگی بمبئی است با مقابله با دو دست‌نوشته متوسط و متأخر و نیز چند متن چاپی) علی‌رغم ضبط نام این شهر به‌درستی به صورت «خنزای» اما بدون اعراب و نشان‌دادن نحوه تلفظ، هیچ اشاره‌ای بدین نام نداشته و

توضیحی درباره آن به دست نداده است. تاریخ و صاف هنوز به طور کامل تصحیح انتقادی نشده است. در پژوهش حاضر از نسخه‌های کهنی بهره برده شده که محل مراجعه پژوهشگران نبوده است.

۴. بحث و بررسی

۴.۱. نام هانگجو در منابع کهن ایرانی و اروپایی

در ابتدا نام این شهر در برخی منابع مهم ایرانی و اروپایی، و سپس منابع چینی بررسی خواهد شد.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در جامع‌التواریخ ذیل «تاریخ اقوام پادشاهان ختای که آن را چین گویند و ولایت ماچین...» و «اسامی ولایات معظم آن ممالک به حسب هر مصطلحی» می‌نویسد: «ممالک اقوام مذکور چندپاره ولایت معظم است و اسامی آن ولایات به حسب لغت و اصطلاح هر قوم مختلف و متفاوت، و درین وقت از واقفان بر احوال آنجا به سبیل تتبع تفصیل آن معلوم شده، و آن چنان است که در میان ممالک ایشان ولایتی معظم معتبر است که در اغلب اوقات تختگاه پادشاهان ایشان در آنجا بوده، و آن ولایت را به زبان ایشان خان ژوجون^۱ تو^۱ می‌گویند و مغولان آن را چاقوت^۲ گفته‌اند و هندوان آن را چین می‌خوانند و نزد ما به ختای مشهور است، و به واسطه بُعد مسافت و عدم تتبع و تحقیق تصور افتاده بود که ولایت چین جداست و از آن ختای جدا، و معلوم شد که هر دو یکی است و مصطلح مختلف. و ولایتی دیگر است در شرق^۳ ولایت مذکور مایل به جنوب که ایشان آن را منزی^۴ می‌گویند و مغولان ننگیاس^۵ و هندوان مهاچین یعنی چین بزرگ، سایر مردم چون معنی

۱. درباره اشتقاق و معنای این واژه ر.ک. وانگ، ۱۳۷۹: ۱۶۰.

۲. درباره اشتقاق و معنای این واژه ر.ک. وانگ، ۱۳۷۹: ۱۶۰ - ۱۶۱.

۳. متن: شرقی. ضبط «شرقی ولایت» به جای «شرق ولایت» احتمالاً در نسخه اساس جامع‌التواریخ دربردارنده نکته‌ای تلفظی و ناشی از اشباع کسره اضافه به صورت «ی» است که گهگاه در نسخ خطی کهن دیده می‌شود.

۴. درباره اشتقاق و معنای این واژه ر.ک. وانگ، ۱۳۷۹: ۱۶۱.

۵. درباره اشتقاق و معنای این واژه ر.ک. وانگ، ۱۳۷۹: ۱۶۲.

مها به هندی ندانسته‌اند ماچین می‌گویند. و ولایت چین به نسبت ماچین از ده یکی نهاده‌اند [...] و شهری بغایت بزرگ در آن ولایت هست که آن را خنسای می‌گویند و قطر آن یعنی از بارو تا به باروی، ده فرسنگ است و در آن شهر سه یام نهاده‌اند و تمامت خانه‌های ایشان سه طبقه است و درین شهر مردم مسلمان را چون احتیاط کنند یک یک توان دید. و آنجا سه مسجد جامع بغایت بزرگ هست و روز آدینه هر سه از مردم مسلمان پر باشد، و از غایت کثرت خلق شهر در روزهای دیگر ایشان را نادر توان دید، و اهل شهر کمتر یکدیگر را شناسند از غایت انبوهی. و این ولایت مذکور درین قرون آخر تختگاه پادشاهان اصلی آن ممالک بوده است» (۱۳۷۳: ۸۰). خواجه در این عبارات به چند نکته مهم اشاره کرده است. شهری که «خنسای» خوانده، همان است که در چاپ‌های تاریخ و صاف به صورت «خترای» (۱۲۶۹: ۲۰)، «خنزای» (۱۴۰۱: ۱/۳۴ و ۳۶) آمده است. اشارت خواجه در آخرین عبارت ناظر به این نکته است که این شهر قبل از دوره مغول که در چین سلسله «یوان» خوانده می‌شود، در سلسله «سونگ جنوبی» پایتخت مهاچین بوده است. در عظمت و بزرگی این شهر و کثرت مسلمانان در این شهر همین بس که هم‌زمان «سه» مسجد جامع در آنجا وجود داشته است! وجود سه یام (چاپارخانه) در یک شهر نیز ناظر بر وسعت بسیار آن است. ابن بطوطه نیز درباره «خنسای» نوشته است: «این شهر بزرگ‌ترین شهرهایی است که در روی زمین دیده‌ام» (۱۳۷۶: ۳۰۲/۲).

پرفسور وانگ ای‌دان در تعلیقات خود بر بخش چین از جامع‌التواریخ درباره «خنسای Xingzai» نوشته است: «معنی لغوی آن مقرّ امپراتور، جایی که امپراتور به آن سفر کرده یا در آن اقامت داشته است، خواه پایتخت باشد خواه اقامتگاه موقت امپراتور. ولی بعداً مفهوم این کلمه محدود گشت و به اقامتگاه موقتی امپراتور اختصاص داده شد و معنی پایتخت نمی‌داد. منظور از خنسای شهر Lian'an^۱ (نام کنونی آن Hangzhou) مقر دولت سونگ جنوبی (Nansong، ۱۱۲۷-۱۲۷۹ م) بود. در سال ۱۱۲۷ م دودمان سونگ شمالی که پایتخت آن شهر

۱. درباره این شهر بنگرید به ادامه توضیحات مقاله حاضر ذیل تیترا ۲.۴.

Bianjing (Kaifeng کنونی) بود به دست نوجی‌ها (Nü zhen) منقرض شد و باقی‌ماندگان این دودمان به جنوب چین گریختند و دولت جدید را که به سونگ جنوبی معروف بود تشکیل دادند. دودمان سونگ جنوبی شهر Lian'an مقر حکومت خود را خنسای یعنی اقامتگاه موقتی می‌خواندند، چون شهر Bianjing را پایتخت اصلی و دائمی خود می‌پنداشتند. شاید در نام گزینی خنسای آرزویی نهفته باشد که روزی این اقامتگاه موقتی را ترک گویند و به پایتخت اصلی باز گردند...» (۱۳۷۹: ۱۶۷). «خنسای» در بخش دیگری از جامع‌التواریخ به صورت «خینگ‌سای» ضبط، و «دارالملک منزی» خوانده شده است (۱۳۷۳: ۲ / ۹۰۹ به نقل از وانگ، همان‌جا).

در سفرنامه‌ها و دیگر کتاب‌های تاریخی نیز نام این شهر به اشکال مختلفی دیده می‌شود: «خینگسای» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۹۰۹)، «خترای» (تاریخ و صاف، Hammer 21: 2010)، «هینکسای» در کتاب آثار و احیاء (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۸: ۱۰۰)، و «خنسای» در تاریخ بناکتی (البناکتی، ۱۳۴۸: ۳۴۰) زهت القلوب (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۶۱) و خطای‌نامه (خطایی، ۱۳۵۷: ۱۱۷). در منابع غیرایرانی نیز شاهد شکل‌های دیگری از ضبط نام این شهر هستیم، از جمله «کینزی» در سفرهای مارکو پولو، «کانسی» در سفرهای فرایر اودوریک، «کاسی» در املاک کنن بزرگ بیان‌شده توسط اسقف اعظم سلطانیه، «کامپسی» در سفرهای جان دِ ماریگنلی، «خنسا» در سفرنامه ابن بطوطه (شیان‌دا، ۱۹۲۷: ۹۱-۱۰۱).^۱ بنا به تصریح ابن بطوطه که به خنسا نیز سفر داشته است، تلفظ «خنسا» (با تلفظ خَنساء، اسم شاعره معروف عرب، یک نوع است) (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۰۲) یعنی در نیمه نخست قرن هشتم قمری به فتح «خ» تلفظ می‌شده است.^۲

1. *The Travels of Marco Polo* (1292) "Kinsay", *The Travels of Friar Odoric* (1330) "Cansay", *The Book of the Estate of the Great Cann*, Set Forth by the Archbishop of Soltania (c.1330) "Cassay", *The Travels of John de Marignolli* (c.1346) "Campsay", *The Travels of Ibn Battutah* (c.1347) "Khansa".

۲. «و اسمها علی نحو اسم الخنساء الشاعرة، و لا أدري أعرابي هو أم وافق العربي؟» (ابن بطوطه، ۱۹۹۷: ۱۴۵/۴).

پس از مباحثه فراوان، جامعه دانشگاهی به اجماع رسید که این تلفظ‌های مشابه گونه‌های متفاوتی از نام شهر هانگجوست. محمدباقر وثوقی بر آن است که «خانجو» در التفهیم لاوائل الصناعه التنجیم ابوریحان بیرونی (نگاشته حدود ۴۲۰ ق، نیمه اول قرن ۱۱ م) همان شهر هانگجو است (۱۳۹۴: ۳۷). با توجه به این نکته که مارکوپولو در اواخر قرن ۱۳ شهر هانگجو را به اروپاییان معرفی کرد، می‌توان گفت هانگجو حداقل دو قرن و نیم پیش از معرفی به اروپاییان در میان ایرانیان شناخته شده بود.

بر این اساس می‌توان گفت طی سه قرن، اسم هانگجو در کتاب‌های تاریخی فارسی از «خانجو» به «خنسای» تغییر یافته است و در حقیقت، این تغییر مطابق با تاریخ واقعی چین است، زیرا چنانکه در ادامه گفته خواهد شد، در دوره نانسونگ (۱۱۲۷-۱۲۷۹ م) شهر هانگجو نام جدید «خنگزای» را گرفت. این به‌روزرسانی اطلاعات درباره جغرافیای چین و نام شهرهای آن با بهره‌گیری از مبادلات تجاری طولانی‌مدت میان دو کشور و مسیرهای ارتباطی پررونق بین شرق و غرب آسیا مقدور بود.

۴.۲. نام هانگجو در منابع کهن چینی

تغییرات نام هانگجو به‌طور مفصل در تاریخ مختصر شهرستان‌های حومه استان ژه جیانگ ثبت شده است (شو گوی، ۱۹۸۴: ۱۲۹-۱۳۲). شهر هانگجو در سلسله چین (۲۰۷-۲۲۱ ق م) «چیان تانگ»^۱ نامیده شد. پادشاه چین شی‌هوانگ^۲ (۲۱۰-۲۵۹ ق م) در ۲۱۰ ق م به شرق چین به استان کوای جی^۳ سفر کرد. «او از شهر دان یانگ^۴ گذشته و به چیان تانگ رسید» (سی ما چیان: ۱۳۶ - ۱۳۷). این نخستین اشاره به نام «چیان تانگ» در کتب تاریخی چین است.

1 钱塘, QianTang

2 秦始皇, Qin Shi Huang

3 会稽, Kuai Ji

4 丹阳, Dan Yang

امپراتور سوی ون دی^۱ از سلسله سوی (۶۱۹-۵۸۱ م) در ۵۸۹ م اسم جدید «هانگجو» را بر این شهر گذاشت (وی جنگ، ۲۰۲۰: ۲۱۴۵). این نخستین باری است که اسم «هانگجو» در کتب تاریخی چین ثبت شده است. در دوره پنج سلسله و ده پادشاهی (۹۰۷-۹۷۹ م)، هانگجو به عنوان پایتخت دولت «وو یوی»^۲ (۹۰۷-۹۷۸ م) انتخاب شد. در سلسله «نان سونگ» (۱۱۲۷-۱۲۷۹ م) در پنجم نوامبر ۱۱۳۱ م به سبب هجوم اقوام نوجن^۳، امپراتور گائوزونگ^۴ (۱۱۰۷-۱۱۸۷ م) دستور انتقال پایتخت به شهر هانگجو را داد و در مارس ۱۱۳۸ م، اسم «هانگجو» را به لین آن^۵ تغییر داد. «لین» معنی موقتی، و «آن» معنی امن دارد؛ پس «لین آن» به معنی اقامت موقت امپراتور می شود. «لین آن» به طور رسمی پایتخت سلسله نان سونگ نامیده نشد، فقط به آن «خنگزای»^۶ می گفتند. چه لین آن و چه خنگزای هر دو معنی «جایگاه موقتی امپراتور» را بیان می کنند که بیان کننده آرزوی سلسله نان سونگ برای بازپس گیری سرزمین شمالی از دست رفته است. در سلسله یوان، اسم لین آن را به «هانگجو لو»^۷ تغییر دادند که مرکز استان «جیانگ ژه»^۸ بود. در سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) و چینگ (۱۹۱۲-۱۶۳۶ م) هانگجو همیشه مرکز استان «ژه جیانگ»^۹ بوده است.

۴.۳. بررسی چاپ‌های جدید و دست‌نویس‌های کهن تاریخ و صاف

در اینجا با بررسی کهن‌ترین دست‌نویس‌های شناخته‌شده از تاریخ و صاف و نیز چاپ‌های مشهور آن، درباره سیر تحولات زبانی و رسم‌الخطی این شهر بحث می‌شود.

1 隋文帝, Sui Wen Di

2 吴越国, Wu Yue

3 女真, Nu Zhen

4 高宗, Gao Zong

5 临安, Lin An

6 行在, Xing Zai

7 杭州路, Hang Zhou Lu

8 江浙, Jiang Zhe

9 浙江, Zhe Jiang

نام این شهر در تاریخ و صّاف چاپ بمبئی و به تبع آن تحریر تاریخ و صّاف (از عبدالمحمد آیتی) «خترای» ضبط شده است (۱۲۶۹ق: ۲۰-۲۱؛ آیتی، ۱۳۴۶: ۸-۹). احمد خاتمی در تصحیح خود از تاریخ و صّاف (که در حقیقت احیای چاپ بمبئی با مقابله با دو نسخه خطی نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس مورخ ۸۶۸ ق و ۱۰۷۹ ق و چند متن چاپی متأخر است) خنزای ضبط کرده است (۱۴۰۱: ۱/۳۴ و ۳۶) درحالی که در مجلد سوم (مجلد نخست از شرح مشکلات) ذیل فرهنگ لغات، ترکیبات و اصطلاحات، نام «خترای سنگ» را بدین صورت ضبط و آن را «(چینی) شهر بزرگ، خان بالیغ» معنا کرده و توضیح داده است (ص ۵۷۸) اما در جلد دوم از شرح مشکلات، ذیل فرهنگ اعلام اشخاص و اماکن نام این شهر را چه به صورت خترای و چه خنزای نیاورده و توضیح نداده است. بخش مربوط به «خنزای» در مجلد پنجم (گزیده تاریخ و صّاف) بخش مربوط به خنزای اساساً حذف شده است اما در مجلد ششم (تحریری دیگر از تاریخ و صّاف) این نام به صورت خنزای آمده است (۱۴۰۱: ۶/۲۵. این مجلد فاقد هرگونه توضیح است).

۴. ۳. ۱. معرفی نسخه‌ها

با توجه به اینکه نام هانگجو در مجلد نخست تاریخ و صّاف ذکر شده، و کهن‌ترین نسخه‌های دربردارنده مجلد نخست در اختیار ما قرار دارند و در چاپ‌های تاکنون صورت گرفته از این نسخه‌ها استفاده نشده است، پژوهش حاضر بر پایه بررسی کهن‌ترین دست‌نوشته‌ها از این کتاب قرار دارد.

کهن‌ترین دست‌نوشته‌های شناخته‌شده از تاریخ و صّاف از قرن هشتم و نهم که دربردارنده مجلد نخست هستند و محل مراجعه ما قرار داشته‌اند از این قرارند (برای مشخصات هر دست‌نوشته ر.ک منابع پایانی مقاله حاضر):

۱. نسخه کتابخانه ایاصوفیه مورخ ۷۳۸ ق که فقط شامل مجلدات ۱ و ۲ و اقدم این مجلدات است؛

۲. نسخه کتابخانه DMG آلمان کتابت ۷۴۰ ق؛

۳. نسخه کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران مورخ ۷۵۰ ق که فقط دربردارنده مجلدات اول و دوم است؛

۴. نسخه بایسنغری محفوظ در موزه دالاس امریکا مورخ ۸۳۴-۸۳۵ ق؛

۵. نسخه کتابخانه ملک مورخ ۸۵۷ ق، ۵ جلد فاقد صفحاتی از ابتدای مجلد یکم؛

۶. نسخه دیگر از کتابخانه ملک مورخ ۸۵۸ ق، ۴ مجلد، از اواخر مجلد چهارم تا پایان نسخه دارای افتادگی است؛

۷. نسخه کتابخانه مجلس مورخ ۸۶۸ ق؛

۸. نسخه کتابخانه نورعثمانیه مورخ ۸۷۱ ق؛

۹. نسخه کتابخانه مجلس مورخ ۸۸۶ ق.

۱۰. نسخه ینی جامع کتابخانه سلیمانیه، به شماره ۸۳۳، فاقد تاریخ اما احتمالاً متعلق به اواخر قرن هشتم که نسخه‌ای کامل و دربردارنده هر پنج مجلد است؛

۱۱. نسخه کتابخانه ملی وین اتریش به شماره N.F.220a مورخ ۸۶۶ ق که تاکنون اقدام مجلدات پنجم دانسته می‌شود در اختیار ما نبوده است (درباره این نسخه‌ها بنگرید به میهن، ۱۳۹۸: ۹۷ - ۹۸ ذیل «نسخه‌های متقدم»).

۴. ۳. ۲. نام هانگجو در تاریخ و صاف

از شهر خنزای در مجلد نخست تاریخ و صاف در دو جای یاد شده: یکی حمله بایان نویان به چین و گشودن این شهر با این جملات: «... بایان بفرمود و چندانک ممکن بود، لشکر در کشتی‌ها رفتند و سمت شهر گرفتند و خود با کشتی از راه خشک قاصد آنجا شد... در وقتی کی سمنزار آسمان در شکفیدن و نسیم صبح در وزیدن آمد، سواد جیش حبش از چنگ خیل روم چنگ کشیده داشتند و بلغاریان روز بنگاه شب زنگی چهره را به یغما دادند، با لشکر به شهر خنزای درآمد...»؛ و دیگر توصیف مستقیم این شهر با این آغاز: «... درین مقام شمّه‌ای از شرح عراض عریض آن ممالک و کثرت خلائق و اصناف نعم کی بر دوات تجار و ثقات

سفر حکایت کرده‌اند ایراد کرده شد. خنزای سواد اعظم ممالک چین است؛ کجّته عَرَضُهَا السَّمَاوَات...».

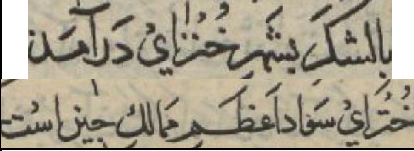
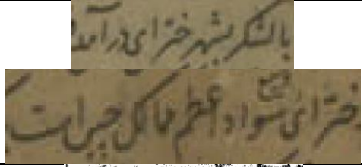
جدول ۱. مقایسه دست‌نوشته‌ها

ردیف	محل چاپ / دست‌نویس / محل نگهداری	شماره نگهداری / توضیحات	تاریخ کتابت	تصویر	متن، شماره برگ / صفحه
۱	کتابخانه ایاصوفیه، ترکیه	۳۱۰۹	۷۳۸ ق		خنزای ^۱ (۲۹ ر) خنزای (۳۰ ر)
۲	کتابخانه DMG آلمان	۱۴	۷۴۰ ق		خنزای (۱۸ پ) خنزای (۱۹ پ)
۳	کتابخانه ادبیات تهران	ج ۲۵	۷۵۰ ق		خنزای ^۲ (۱۶ ر) خنزای (۱۶ پ)
۴	نسخه بایسنغری، موزه دالاس آمریکا	VII:62	۸۳۴- ۸۳۵ ه. ق		خنزای (۱۱ پ) خنزای (۱۲ ر)
۵	کتابخانه ملک	۴۰۹۳	۸۵۷ ه. ق		خنزای ^۳ (۱۱ ر) خنزای (۱۲ پ)

۱. «ر» نشانه «روی»، و «پ» نشانه «پشت» است.

۲. در حاشیه نسخه نیز آمده: «صفت شهر خنزای از ممالک چین»

۳. نکته: در نسخه‌های کتابخانه ملک (مورخ ۸۵۷ ق و ۸۵۸ ق) و نیز کتابخانه‌های مجلس و ملی (مورخ ۸۶۸ ق و ۹۹۷ ق) خوانش ضبط واژه به صورت «خنزای» و نه «خنزای» بنا به نقطه‌گذاری «ت» است که برخلاف «ت» که در این متن‌ها دو نقطه آن پیوسته کتابت شده است، در اینجا با فاصله است و لاجرم باید «نز» باشد و نه «تر».

ردیف	محل نگهداری / دست‌نویس / چاپ	شماره نگهداری / توضیحات	تاریخ کتابت	تصویر	متن، شماره برگ / صفحه
۶	کتابخانه ملک	۳۹۰۰	ق. ۸۵۸ ه. ق.		ختزای (۱۵ پ) ختزای (۱۶ پ)
۷	کتابخانه مجلس	۸۳۲۱ (شماره ثبت: ۷۴۵۰۵)	ق. ۸۶۸ ه. ق.		ختزای (۱۰ پ) ختزای (۱۱ ر)
۸	کتابخانه نورعثمانیه، ترکیه	2820f (میکروفیلم دانشگاه تهران)	ق. ۸۷۱ ه. ق.		ختزای (۱۶ پ) ختزای (۱۷ ر)
۹	کتابخانه مجلس	۲۹۲۳	ق. ۸۸۶ ه. ق.		ختزای (۱۲ ر) ختزای (۱۳ پ)
۱۰	کتابخانه گنج بخش پاکستان	۸۴۵ (۲۰۳۶/۴)	ق. ۹۰۳ ه. ق.		ختزای (۱۵ پ) ختزای (۱۶ پ)
۱۱	کتابخانه ملی	۱۸۰۴۱-۵	ق. ۹۹۷ ه. ق.		ختزای (۲۴ ر) ختزای (۲۴ پ)
۱۲	چاپ بمبئی	ذیل «صفت چین و خان بالیغ»	ق ۱۲۶۹		ختزای (ص ۲۱، ۲۰)

۴. ۳. ۳. توضیحی درباره نحوه تلفظ «خُنزای» (به ضم «خ») در

دست‌نوشت‌های کهن تاریخ و صاف

ضبط «خُنزای» به شکل «خترای» در برخی نسخ کهن خطی و به تبع آن‌ها در نسخ بعدی و نیز برخی متون چاپی، حاصل تصحیف و غلط‌خوانی است که با توجه به تکرار خطای یک کاتب در استنساخ‌های بعد توسط کاتبان بعدی نیز از متنی به متن‌های دیگر و از نسخ خطی به متون چاپی سرایت کرده است. نظیر این گونه تصحیف و تبدیل «ن: ن + ز» به «تر: ت + ر»، در واژگان دیگری مانند واژه «شَنزبه» (نام گاو مشهور در کلیله و دمنه) دیده می‌شود که گاهی به صورت «سَنزبه» کتابت و تلفظ شده است. نکته دیگر درباره واژه «خُنزای»، حرکت حرف «خ» است که به قرینه تلفظی چون «خینگ‌سای» (در جامع‌التواریخ) و نیز تلفظ امروزین (行在) xíng zai (کاراکتر اول با «نواختِ دوم» و کاراکتر دوم با «نواختِ چهارم» در زبان چینی) نخستین احتمال این است که ضبط «خُنزای» نیز باید به صورت «خُنزای» (با تلفظ خ به کسر) بوده باشد؛ حال آنکه همه نسخ خطی قدیم محل بررسی ما از جمله نسخه ایاصوفیه (که اقدم نسخ مجلد نخست است) و نیز نسخه‌های DMG آلمان، بایسنگری، هر دو نسخه ملک، مجلس، گنج‌بخش و نیز نسخه کتابخانه ملی به اتفاق در مواضع اعراب‌گذاری شده، «خ» را به ضم تلفظ کرده‌اند. همین گونه است چاپ بمبئی اگرچه «خُنزای» را به تصحیف «خترای» ضبط کرده است.

بنا به سامانه بایدو^۱ (مدخل [行在] xíng zai) در منابع قدیمی چینی چهار شهر با این نام خوانده شده‌اند. از همه مهم‌تر و مشهورتر همین هانگجوست. بنا به فرهنگ واژه‌نامه تلفظ بازسازی شده در چینی میانه متقدم، چینی میانه متأخر و ماندارین متقدم (Pulleyblank: 344) کاراکتر «行» در زبان چینی گذشته سه تلفظ داشته است: Xíng, háng, hang. می‌دانیم که واژه خُنزای (xíng zai) به معنی «جای اقامت / توقف موقتی امپراطور در هنگام سفر یا حرکت» (پادشاهان سونگ جنوبی) / اقامت / اقامت هنگام سفر / راه رفتن در جایی بوده است. از آنجا که تنها Xíng به معنی راه رفتن یا حرکت کردن است؛ آن دو تلفظ دیگر در این

1. <https://m.baidu.com/>

فرهنگ مربوط به واژه خنزای نیست. بدین ترتیب در این فرهنگ برای نام خنزای در متون کهن فقط یک تلفظ آمده: Xíng. تا به این فرهنگ (که ضبط تلفظها را بنا به سه دوره میانی متقدم، میانی متأخر، و ماندارین متقدم آورده است)، یکی از تلفظها (Yaijn/Yeijn) که مربوط به دوره ماندارین متقدم است، تلفظی بین ضمه و فتحه دارد که به تلفظ «خُنزای» شباهت است (اگرچه سلسه یوان از نظر دوره‌های زبانی در دوره میانی متأخر قرار دارد).

نتیجه گیری

«هانگجو» در متون مختلف فارسی، عربی و چینی در ادوار مختلف حتی در متون قرب العصر یا همعصر با نام‌ها یا تلفظ‌های گوناگون ضبط، و به شکل‌های مختلف نوشته شده است. «خنزای» که در نسخ خطی و چاپی تاریخ و صّاف به صورت «خترای» تصحیف شده، ریختی کهن از نام شهر بندری و بزرگ چین است که در دیگر متون کهن تاریخی و نیز سفرنامه‌های فارسی و عربی به صورت‌های «خانجو» (التفهیم)، «خنسا» (الرحلة ابن بطوطه)، «خنسای» (جامع التواریخ، تاریخ بناکتی، نزهة القلوب، خطای نامه)، «خینگسای» (جامع التواریخ)، «هینکسای» (آثار و احیاء)، «کینزی» (سفرهای مارکوپولو)، «کانسی» (سفرهای فرابر اودوریک)، «کامپسی» (سفرهای جان دِ ماریگنلی) و «کاسی» (کتاب اسقف اعظم سلطانیه) آمده و این همان شهر است که امروزه هانجو / هانگجو / هانگژو خوانده و نوشته می شود (نگارش اصح هانگجو است اما در چینی امروزه هانجو تلفظ می شود). هانگجو در کنار گوانگجو و چوانجو (در برخی سایت‌های امروزی: گوانگژو و چوانژو) یکی از سه شهر مهم بندری و بازرگانی چین بوده است. در برخی دست‌نوشته‌های تاریخ و صّاف که اگر آن‌ها را «نیم‌مشکول» ندانیم، دست کم در برخی موارد (از جمله نام شهر هانگجو) اعراب‌گذاری کرده‌اند، آشکارا خوانش این نام به شکل «خُنزای» ثبت شده است که با ضبط و تلفظ دیگر متون تفاوت دارد. ضبط «خُنزای» و تلفظ آن به ضم حرف «خ» در کهن‌ترین دست‌نوشته‌های تاریخ و صّاف شباهتی با یکی از تلفظ‌های نخستین هجا در نام این شهر (کاراکتر «𠂇») در دوره ماندارین متقدم دارد که تلفظی بین ضمه و فتحه داشته است. اما ضبط «خنزای» به شکل «خترای» در برخی نسخ کهن خطی و به تبع آن‌ها در نسخ بعدی و نیز برخی متون

چاپی، حاصل تصحیف و غلط‌خوانی است که با توجه به تکرار خطای یک کاتب، در استنساخ‌های بعدی کاتبان دیگر از متنی به متن‌های دیگر و از نسخ خطی به متون چاپی سرایت کرده است. نظیر این تصحیف و تبدیل «نز: ن + ز» به «تر: ت + ر»، در واژگان دیگری مانند واژه «سنزبه» (نام گاو مشهور در کیلیه و دمنه) دیده می‌شود که گاه به صورت «سَترَبه» کتابت و تلفظ شده است. نام هانگجو نخستین بار در ابتدای قرن ۱۱ میلادی در منابع ایرانی (التفهیم ابوریحان بیرونی) ذکر شد. در نیمه اول قرن ۱۴ میلادی مورخان ایرانی چهار کتاب تاریخی مهم حاوی مطالبی درباره شهر هانگجو را به رشته تحریر درآوردند (جامع‌التواریخ، تاریخ و صاف، تاریخ بناکتی، نزهة القلوب). با مقایسه منابع تاریخی فارسی و چینی می‌توان دریافت که فحوای این منابع درباره نام شهر هانگجو با یکدیگر مطابقت دارند و این نشان می‌دهد که در دوران سونگ و یوان، ایرانیان شناخت قابل توجهی از شهرهای جنوب شرقی چین داشته‌اند. «خانجو» در کتاب التفهیم لاوائل الصنعة التنجیم ابوریحان بیرونی (نگاشته حدود ۴۲۰ ق، نیمه اول قرن ۱۱ م) همان شهر هانگجو است. با توجه به این نکته که مارکوپولو در اواخر قرن ۱۳ م شهر هانگجو را به اروپاییان معرفی کرد، می‌توان گفت هانگجو حداقل دو قرن و نیم پیش از آن در میان ایرانیان شناخته شده بود. طی سه قرن اسم هانگجو در کتاب‌های تاریخی فارسی از «خانجو» به «خنسای» تغییر یافت که در حقیقت، این تغییر مطابق با تاریخ واقعی چین است، زیرا در دوره نان‌سونگ (۱۱۲۷-۱۲۷۹ م) شهر هانگجو نام جدید «خنگزای» گرفت. این به‌روزرسانی اطلاعات درباره جغرافیای چین و نام شهرهای آن با بهره‌گیری از مبادلات تجاری طولانی‌مدت میان دو کشور و مسیرهای ارتباطی پررونق بین شرق و غرب آسیا مقذور بود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Yinhuan Wang

Mohammadmir Jalali



<https://orcid.org/0009-0004-4293-4634>



<https://orcid.org/0000-0003-0833-7815>

منابع

۱. منابع چاپی فارسی و عربی

ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی‌عبدالله. (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی مؤحد. تهران: آگاه، ۲ ج.

_____ (۱۹۹۷م). رحلة ابن بطوطه المسماة تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الاسفار. قدّم له و حَقَّقه عبدالهادی التازی. المغربية، الرباط: مطبوعات آکادیمیة المملكة المغربية.

آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۴۶). تحریر تاریخ و صَاف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
بناکتی، فخرالدین محمدبن داود. (۱۳۴۸). تاریخ بناکتی. تهران: انجمن آثار ملی.
خطایی، علی‌اکبر. (۱۳۵۷). خطای‌نامه. به کوشش ایرج افشار. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (۱۳۶۸). آثار و احیاء. به اهتمام ایرج افشار. تهران، کانادا: دانشگاه تهران با همکاری دانشگاه مک‌گیل.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (۱۳۷۳). جامع‌التواریخ. تهران: البرز.
مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). نزهت القلوب. تهران: دنیای کتاب.
میهن، شیوا. (۱۳۹۸). «تاریخ و صَاف؛ نسخه‌ای ارزشمند از کتاب‌خانه بایسنغر میرزا». نامه بایسنغر، س ۱ ش ۱: ۹۱-۱۱۶.

وانگ، ای‌دان. (۱۳۷۹). تاریخ چین از جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله. تهران: نشر دانشگاهی.

وثوقی، محمدباقر. (۱۳۹۴). «موقعیت کاشغر در جاده ابریشم (در متون ایرانی-اسلامی)». مطالعات ایران‌شناسی، س ۱ ش ۱: ۳۲-۴۶.

صَاف‌الحضرة، عبدالله بن فضل‌الله. (۱۳۸۷). تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار (تاریخ و صَاف). نسخه‌برگردان جلد چهارم کتاب از روی نسخه خط مؤلف کتابت ۷۲۲ق (نسخه شماره ۳۲۰۷ کتابخانه نورعثمانیه استانبول). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی. تهران: طلایه.

_____ . (۱۲۶۹ق). تاریخ و صَاف [چاپ سنگی]. به اهتمام محمد مهدی ارباب اصفهانی.
بمبئی: ۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۳م.

_____ . (۱۴۰۱). متن کامل و ویراسته تجزیه الامصار و ترجمه الاعصار مشهور به تاریخ
و صَاف بر اساس نسخه چاپ سنگی بمبئی و مقابله با چند نسخه خطی و سنگی دیگر. به
اهتمام احمد خاتمی. تهران: علم، ۶ ج.

۲. دست‌نوشت‌ها و میکروفیلم‌ها

و صَاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله. (۷۳۸ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. دست‌نوشت
محفوظ در کتابخانه ایاصوفیه، به شماره ۳۱۰۹.

_____ . (۷۴۰ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. دست‌نوشت محفوظ در کتابخانه
DMG آلمان، به شماره ۱۴.

_____ . (۸۵۷ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. میکروفیلم محفوظ در کتابخانه ملک
به شماره ۴۰۹۳.

_____ . (۷۵۰ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه
تهران، به شماره ۲۵/۱-ج، مجلدات اول و دوم.

_____ . (۸۳۴-۸۳۵ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. نسخه بایسنغری، محفوظ در
موزه هنر دالاس امریکا، مجموعه خصوصی کی‌پر (این نسخه به خطا به نام تاریخ جهانگشا
در این مجموعه ثبت شده است) به شماره VII:62.

_____ . (۸۴۴ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه مرعشی قم، به شماره ۱۳۰۴۵،
جلد ۴ و ۵.

_____ . (۸۵۷ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه و موزه ملی ملک تهران، به
شماره ۴۰۹۳.

_____ . (۸۵۸ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه و موزه ملک تهران، به شماره
۳۹۰۰.

_____ . (۸۶۸ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه مجلس تهران، به شماره
۵، ۸۳۲۱، جلد کامل.

- _____ . (۸۷۱ ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. نسخه محفوظ در کتابخانه نورعثمانیه، به شماره ۳۲۰۴، میکروفیلم شماره ۲۸۲۰_ف کتابخانه دانشگاه تهران ۵ مجلد.
- _____ . (۸۶۶ ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه مجلس تهران، به شماره ۲۹۲۳، ۵ مجلد.
- _____ . (۹۰۳ ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. نسخه محفوظ در کتابخانه گنجبخش پاکستان، به شماره ۸۴۵ (۲۰۳۶/۴)، میکروفیلم کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تهران، به شماره ۱۷۲-عکسی، ۵ جلد.
- _____ . (۹۹۷ ق). تجزیه الأمصار و ترجمه الأعصار. کتابخانه ملی ایران، به شماره ۵-۱۸۰۴۱.

منابع انگلیسی و چینی

- Lane, George (2010), "The Phoenix Mosque of Hangzhou 关于元代杭州的凤凰寺 Guanyu Yuandai Hangzhou de Fenghuangsi" and A.H. Morton, "Muslim gravestones in the Phoenix Mosque in Hangzhou 元杭州凤凰寺回回墓碑考 Yuan Hangzhou Fenghuangsi Huihui mubei kao", Qinghua Yuanshi, ed. by Qinghua Academy of Chinese Learning, Tsinghua University, Beijing, chief editor Prof. Yao Dali, no.1, edn,I, Dec.
- Lane, George, (2018), "The Phoenix Mosque", *The Phoenix Mosque and the Persians of Medieval Hangzhou*, George Lane (ed), Gingko Library, chapter 11, p 237- 276.
- Pulleyblank, Edwin G. (1991), *Lexicon of Reconstructed Pronunciation in early Middle Chinese, Late Middle Chinese, and Early Mandarin*, University of British Columbia Press
- Hammer-Purgstall (2010), *Geschichte Wassaf's I*, Persischer Text Part, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, p.21.
- 向达《元代马可孛罗诸外国人所见之杭州》，《东方杂志》第二十六卷第十号，1929年。
- (شیان دا. ۱۹۲۹). «هانگجو در نگاه مارکوپولو و دیگر خارجیان در سلسله یوان»، دنگ فانگ زا جی، س ۲۶ ش ۱۰. [به چینی]
- (Xiang Da (1929), "Yuan Dai Ma Ke Buo Luo Zhu Wai Guo Ren Suo Jian Zhi Hang Zhou" (Hang Zhou in the eyes of Marco Polo and other foreigners in Yuan Dynasty), Dong Fang Za Zhi, vol. 26, no. 10. [in China])

徐规《浙江分县简志》，杭州：浙江人民出版社，1984年。

(شو گوی. (۱۹۸۴). تواریخ مختصر شهرستان‌ها در حومه زه جیانگ. هانگجو: زه جیانگ ژن مین

چو بن شه. [به چینی])

(Xu Gui (1984), Zhe Jiang Fen Xian Jian Zhi (Brief Chronicles of Zhe Jiang Counties), Hang Zhou: Zhe Jiang Ren Min Chu Ban She. [in China])

司马迁《史记》(130卷)，卷六《秦始皇本纪》，清乾隆武英殿刻。

(سی ما چیان. (قرن ۱۸). سوابق تاریخی. جلد ۶ «بخش چین شی هوانگ». چینگ چیان لونگ وو

ینگ دیان که بن. [به چینی])

(Si Ma Qian (18th), Shi Ji (Historical Records), vol. 6 Qin Shi Huang Ben Ji (the Part of Qin Shi Huang), Qing Qian Long Wu Ying Dian Ke Ben (Volume VI "Annals of the First Emperor of Qin", Qing Dynasty). [in China])

魏征《隋书》卷三十一《地理志》，马俊民、张玉兴主持校注，北京：中国社会科学出版社，2020年，卷三十一《地理志》，第2145页。

(Wei Zheng (2020), Sui Shu (The History of Sui Dynasty), ed. Ma Jun Min and Sun Yu Xing, vol. 31 Di Li Zhi (Geography Section), Bei Jing: Zhong Guo She Hui Ke Xue Chu Ban She. [in China])

(وی جنگ. (۲۰۲۰). تاریخ سلسله سوی. جلد ۳۱ «بخش جغرافیا». تصحیح ما جون مین و جانگ

یو سینگ. پکن: جنگ گوه شه هوی که سیو چو بن شه. [به چینی])

استناد به این مقاله: وانگ، بین هوان، جلالی، محمدامیر. (۱۴۰۲). بررسی زبانی و انتقادی ضبط نام شهر هانگجوی چین

در کهن‌ترین نسخه خطی تاریخ و صاف. پژوهش‌نامه زبان ادبی، ۱ (۳)، ۳۹-۶۰.

doi: 10.22054/JRLL.2023.76168.1055



Literary Language Research Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.